

آقای محمد واعظ زاده خراسانی

تحقیق درباره کتاب فی

علوم حدیث

در شماره پیش بحث باینجا رسید که برای جلو گیری از رواج دروغ و تهذیب و تصحیح حدیث از طرف پیشوایان دین و دانشمندان احتیاطات لازم و تدبیرهای گوناگون بعمل آمده و اصولی وضع شده و رعایت آن اصول تدریجا موجب پیدایش چند رشته علم گردیده که هر يك از این علوم بنحوی در تشخیص حدیث صحیح از سقیم یا تحصیل وثوق و اطمینان بصدق حدیث تاثیر دارند در باره علم رجال و علم درایه (مصطلح الحدیث) که در معرفی رجال حدیث و اقسام و آداب حدیث بحث میکنند باختصار سخن گفتیم و اینک علوم دیگر :

علم فهرست

گویا برای اولین بار است که بچنین اصطلاحی (علم فهرست) برخورد میکنید چه اینکه علمی باین نام در بین علوم معهود نبوده ولی تردید نیست که باید علم فهرست را علم جداگانه بشماریم و آن علمی است که از خصوصیات و مشخصات کتابها و مؤلفین بحث میکند تا اکنون نتوانستیم بدانیم پیشقدم و مبتکر در آن علم که بوده ولی بیگمان اولین **۳۴۴** از طرف محدثین اسلام و بالخصوص امامیه برداشته شده محدثان قرن دوم و سوم بی بردند باینکه دروغ گویان همانطور که حدیث جعل میکنند کتاب هم مینویسند و بدروغ بزرگان نسبت میدهند و گاهی يك فصل یا يك باب یا از اهد بر آن بريك كتاب معتبر می افزایند یا چیزی از آن کم میکنند و این کار در آن روزگار که چاپ وجود نداشت و نسخه های کتاب معدود و بلکه غالباً منحصر بفرد و در انحصار يك شخص بود بسیار آسان بود. علاوه زیاد اتفاق می افتاد که چند نفر برای کتاب خود يك اسم انتخاب میکردند و این امر باعث میشد که کتابهای آنان بهم اشتباه شود یادو نفر مؤلف در اسم و کتیبه مشترك بودند و معلوم نبود کتاب منسوب باین اسم اثر کداميك از آنها است و چه بسا یکی از آن دو نفر

مورد اطمینان بود و دیگری بعکس مورد سوءظن، ملاحظه‌ی این نوع محظورات سبب شد که دانشمندان کتابهای دیگران را هم فهرست کنند.

در اینکه علماء حدیث اهل سنت در قرن دوم و سوم دست بچنین کاری زده باشند کنجکاوی و تحقیقی نکرده‌ایم اما ضمن نام کتابهای جمعی از علماء قرن سوم شیعیه امامیه نام فهرست دیده میشود و این همان فهرستهای اولیه است که پیش از این گفتیم همگی آنها از بین رفته است بعضی از این فهرستها مخصوص (اصول) و قسمتی شامل کتابهای دیگر بوده و اینک قدیمی ترین فهرستی که از این طائفه در دست است فهرست (۱) شیخ الطائفه محمد بن الحسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰) و فهرست ابوالعباس احمد بن العباس نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰) میباشد در این دو کتاب صرف نظر از کتابها از مولفین نیز گفتگو شده بلکه ترتیب آنها بر حسب نام مولف است نه کتاب نخست نام مؤلف و اجداد و قبیله و موطن وی ذکر میشود و چنانچه توثیق یا مدحی و یا قدح و مذمتی در باره وی بدست آمده باشد یاد میگردد آنگاه کتابهای وی و طریق روایت آن کتب را متعرض میشوند بنابراین، این دو کتاب گویا اینکه بمنظور جمع آثار مولفین امامیه نوشته شده اما خاصیت و نتیجه علم رجال را نیز در بر دارد و بهمین جهت از اصول چهار گانه علم رجال محسوب میشوند و دو اصل دیگر: رجال ابو عمرو کشی و رجال شیخ الطائفه است و باز بهمین علت فهرست نجاشی که بیشتر از حالات رجال و توثیق و تضعیف آنان بحث کرده و تقریباً متقن ترین کتاب رجال شناخته شده در السنه بنام (رجال نجاشی) شهرت یافته است.

نویسندگان این دو فهرست یعنی نجاشی و شیخ طوسی معاصر هم و از شاگردان بر جسته شیخ مفید (۴۱۳) رسید مرتضی (۴۳۶) بوده اند و با اینکه نجاشی سابقه تبصر بیشتر در علم رجال و انسب داشته و گویا پیش از شیخ طوسی نزد مفید تلمذ مینموده و از حیث سن

۱ - این کتاب در سال ۱۳۵۶ هـ در نجف اشرف با تصحیح و تعلیقات مفید و مقدمه محققانه از علامه منتجع آقای سید محمد صادق آل بحر العلوم بطبع رسیده است؛ بنا بنقل علامه نامبرده فهرست شیخ با ترتیب دیگری بضمیمه (نقد الايضاح) تالیف محمد بن الفیض الکاظمی متوفی ۱۱۱۲ هـ پس از آن در سال ۱۲۷۱ در کاکته بطبع بست مشحون از غلط در آمده است و بنا بنقل علامه بزرگ صاحب الذریعه در مقدمه بر تبیان شیخ الطائفه طبع نجف (این مقدمه بنام (حیات شیخ الطائفه) جدا گانه نیز منتشر شده و ظاهراً مفصل ترین ترجمه میباشد) فهرست شیخ در لیدن نیز بصورت بسیار نیکو و تصحیح کامل با مقدمه ای بلاتین طبع شده و در سال ۱۳۱۵ هجری یک نسخه از این طبع را در تهران از کتابخانه میرزا ابوالفضل کلانتری بهاریت گرفته و از روی آن استنساخ نموده اند و مقدمه آنرا یک نفر زبان دان بفارسی آورده سپس خود ایشان آنرا بهر بی نقل کرده اند و اینک این نسخه خطی در کتابخانه علامه تهرانی موجود است ولی تاریخ طبع لیدن را بخاطر نداشته است.

سیزده سال از وی بزرگتر بوده اما شیخ طوسی قبل از وی کتاب فهرست خود را نوشته و در آن نامی از نجاشی و کتاب وی نبرده ولی در فهرست نجاشی نام شیخ بعظمت یاد شده و در عداد تالیفات شیخ (فهرست) را شمرده است و از اینکه نام سید مرتضی در این دو کتاب با جمله (اطال الله بقاءه) یاد شده حتما هر دو کتاب در حیات سید یعنی پیش از سال ۴۳۶ هـ برشته تحریر در آمده است چند سال پیش جلسه جمع حدیث که تحت نظر حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی رضوان الله علیه در قم بتدوین کتاب بزرگی در حدیث بسبک وسائل الشیعه مشغول کار بود و اینجانب افتخار عضویت آن را داشتم از طرف آن فقید سعید مامور گردیدم که این دو فهرست را با هم آمیخته و یک کتاب جامع میان آن دو بر تیب حروف هجا تدوین کند و جلسه نامبرده در مدت اندکی این کار را با سرعت انجام داد و اینک بهترین و مفیدترین نسخه از این کتاب آن نسخه است که در کتابخانه آن مرحوم موجود است فهرست شیخ طوسی را دیگران هم مرتب نموده اند و بعضی هم آن را شرح کرده و مرحوم محقق اول (۶۷۶) آن را تلخیص نموده (۱) و نیز دانشمندان پس از شیخ طوسی ملحقات و تزییلاتی بر آن نوشته اند مانند معالم العلماء (۲) اثر شیخ رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب السروی صاحب (مناقب) متوفی (۵۸۸) و فهرست شیخ منتجب الدین (۵۰۴ - ۵۸۵) (۳) این دو کتاب مولفین پس از شیخ تا عصر خود را نام برده اند و آنچه از شیخ فوت شده است در آن کتاب معالم العلماء علاوه بر آنچه شیخ ذکر نموده نام سید مصنف را ضبط نموده است فهرست شیخ در حدود نهصد نفر و فهرست نجاشی ۱۲۰۰ نفر را نام برده اند و هر دو نفر در اول نوشته خود تصریح کرده اند که تمکن از استقرار تمام آثار و مولفات امامیه نداشته اند بلکه با اندازه وسیع و قدرت خود کوشش کرده اند تا هر چه بیشتر آثار این جمعیت را ضبط کنند.

نجاشی باعث تالیف خویش را چنین شرح میدهد: **اما بعد فانی وقت علی، ما ذکره السید الشریف اطال الله بقاءه و ادام توفیقه من تعبیر قوم من مخالفینا انه لاسلف لکم ولا مصنف و هذا قول من لا علم له بالناس ولا وقف علی اخبارهم ولا عرف منازلهم و تاریخ اخبار اهل العلم و لالقی احدا فیعرف منه و لاجحة علینا من لا یعلم ولا عرف و قد جمعت من ذاک ما استطعته و لم ابلغ غایتها لعدم اکثر الکتب و انما ذکر ذلک عذرا الی من وقع الیه کتاب لم اذکره.**

-
- ۱ - برای تفصیل و توضیح بیشتر بمقدمه فهرست شیخ و مقدمه تبیان نوشته علامه آل بحر العلوم و علامه تهرانی مراجعه شود.
 - ۲ - این کتاب با سعی و کوشش و تصحیح و مقدمه و پاورقی مرحوم عباس اقبال آشتیانی چاپ شده و بر حسب وعده ایشان در مقدمه آن کتاب قرار بوده است که فهرست منتجب الدین نیز بسعی وی طبع شود اما موفق باین عمل نشده است.
 - ۳ - این کتاب در جلد اجازات بحار الانوار طبع رسیده است.

بنابر این نجاشی صرف نظر از منظور اساسی فهرست یعنی کمک بضبط و تصحیح آثار و احادیث امامیه این نظر را نیز داشته که حیثیت و اصالت و مایه علمی مذهب خویش را آشکار سازد .

چنانکه از مطاوی کتب و تراجم جمعی از مولفین بدست میآید رسم بوده که هر دانشمندی کتابها و آثار خود را نیز فهرست میکرده و کتاب یا رساله‌ای در باره تعداد و خصوصیات کتابهای خویش و همچنین در باره مشایخ حدیث و اجازه خود مینوشته تا آیندگان بظبط کتابی را بوی یا کتاب او را بدیکران نسبت ندهند شیخ طوسی در آخر کتاب استبصار شماره احادیث آن کتاب را ضبط کرده میگوید من آنها را احصاء کردم که کسی چیزی بر آن اضافه یا از آن کم ننماید .

فهرست محمد بن اسحق الندیم (۲۹۷ - ۳۸۵) که در سال ۳۷۷ تالیف شده مقدم بر فهرست شیخ و نجاشی است و اگرچه هنوز مسلم نیست که نویسنده آن شیعه باشد اما بطور مسلم آمیزش زیادی با امامیه داشته و آثار آنان را امیدانسته و قسمت مهمی از کتابهای این طایفه را در قنون گوناگون در فهرست خود ضبط نموده است و حتی مدرک شیخ و نجاشی در باره‌ای از مطالب این کتاب بوده چنانچه آثار محمد بن مسعود عیاشی دانشمند معاصر کلینی را شیخ طوسی در فهرست از ابن ندیم نقل مینماید .

ابن ندیم یکی از مردان روشن بین و وسیع النظر و نمونه کامل دانشمندان قرن سوم و چهارم اسلام است که بدون در نظر گرفتن مذهب و مسلک اشخاص با کمال امانت و بدون اندک تعصبی نسبت ب مذهبی که خود بآن معتقد بوده حق دیگران را رعایت مینموده و آثار علمی همه فرق حتی ملل غیر اسلامی را در کتاب خود ضبط نموده و اثر نفیس و جاویدی برای آیندگان بجای گذاشته است شخصیتهای بزرگ امثال ابن ندیم و مسعودی متعلق بهمه مسلمین بلکه بهمه حقیقت خواهان جهان است گفتار آنان در باره همه سنی و معتبر است و اثبات عقیده و مذهب خاصی برای آنان تأثیری در پذیرفتن سخن آنان ندارد .

رجال کشی نیز در اصل بندرت مشتمل بر فهرست آثار و نوشته‌های اشخاص بوده اما پس از اختصار و انتخابیکه در این کتاب توسط شیخ طوسی بعمل آمده این سنخ مطالب از آن حذف شده گویانکه شیخ طوسی آن آثار را با استناد کتاب رجال کشی در فهرست خود یاد کرده است (۱)

بحثهای اصولی

با ملاحظه آنچه در باره تهذیب حدیث در شماره پیش گفته شد میان دانشمندان

۱ - رجال کشی ص ۳۳۰ و فهرست شیخ طوسی ص ۳۴ ترجمه ابی یحیی جرجانی احمد بن داود بن سعید خرازی دیده شود .

يك رشته بحثهای طولانی كه بخش عمده و موثر علم (اصول فقه را) تشكيل ميدهد
 بدید آمد :

آيا حديث ميتواند مصدر حكم شرعی باشد ؟ چه نوع حديثی حجت است ؟ آيا خبر واحد
 يعنی خبر يکه يك يادو نفر آن را نقل کرده و بحدتواتر و اشتها نرسیده معتبر است ؟ چه دليل
 از کتاب وسنت و عقل و اجماع بر آن هست ؟ تکليف اخبار متعارضه چیست ؟ اين بحثها در
 باب « خبر واحد » و باب « تعادل و تراجيح » حتی در قديمترين کتابهای اصول فقه مانند عده
 الاصول شيخ طوسي مطرح و همواره مورد گفتگو و مطمح نظر دانشمندان بوده است و هر دسته ای
 روش و سلیقه خاصی را تعقيب نموده اند .

در اعتبار و حجيت خبر واحد تدریجاً دو عقیده متضاد و متمایل با فراط و تقریبط پیداشد و در
 قرن ۱۱ و ۱۲ هجری مشاجره میان طرفداران این دو عقیده اوج گرفت و منشاء پیدایش دو
 فرقه اخباری و اصولی و بروز دشمنی میان طرفین گردید. اخباریین میگفتند : اخبار مندرج
 در کتابهای مشهور شیعه امامیه مخصوصاً « کتب اربعه » قطعی و یقینی است در صحت و سقم
 آنها نباید بحث کرد و بطور کلی میزان استنباط احکام ظواهر اخبار است، از حدود مفاد آنها
 نباید تجاوز کرد، دقتهای اصولی و استنباطات عقلی بی مورد است حتی قرآن را هم تنها با همان
 اخبار باید تفسیر کنیم و بدون اینکه تفسیری از امام برسد ما خود حق تفسیر و استفاده مطلبی
 از قرآن نداریم بحثهای اصولی دنباله‌ی قیاس و استحسان و اجتهادات اهل سنت است و ما باید
 از این قبیل بحثها خود داری نمائیم عده‌ای از اصولیین هم بعکس میگفتند : نه تنها اخبار
 مندرجه در کتب یقینی و قطعی نیستند اصلاً در احکام دین دلیل قطع آور یا دلیل معتبر (علم
 و علمی) در دست نداریم و ناچاریم که در مسائل دینی بظن و اجتهاد عمل کنیم و برای بکرسی
 نشاندن این نظریه دلیل معروف به (دلیل انسداد) را که مرحوم شیخ انصاری در حدود پنجاه
 صفحه در کتاب فرائد در باره آن بحث کرده تقریر نمودند .

پيروان این مسلک بیجشهای اصولی که غالباً بر اساس دقتهای عقلی مبتنی بود بی
 اندازه میدان و مجال میدادند .

این نزاع رفته رفته بر رویه معتدل که بیشتر دانشمندان منصف طرفدار آن بودند
 انجامید چنانچه امروز از اقلیت متمایل بهمان افراط و تقریبط صرف نظر نمائیم رویه
 معمول و متداول فعلی کاملاً معتدل است یعنی اگر این رویه را با مشرب اخباریین و اصولیین
 آن عصر مقایسه کنیم خواهیم دید قسمتی از تند رویها و افراط و تقریبط دانشمندان آن دوره
 را تعدیل نموده و تقریباً جامع یا حدفاصل میان آن دو نظریه است البته تجدید نظر در روش
 تدریس کتابهای درسی و کسر و انکسار مطالب بیفائده موضوعی است که چندی است مورد
 توجه دانشمندان و مصلحین قرار گرفته و کم و بیش بحرله عمل هم در آمده است و اینک

روش فکری معدودی از مدرسین و طلاب، آینده درخشانی را نوید میدهد. سهم مرحوم آیت الله بروجردی در این امر زیاد است وی در رشته های گوناگون علوم دینی فقه اصول رجال و حدیث مؤسس مکتب خاصی است که بیاری خدا نظریات او را در جزوه جداگانه ای منتشر خواهیم نمود.

تصحیح و مقابله حدیث

تصحیح و مقابله نسخ خطی و کتابهای حدیث از قدیم الایام میان دانشمندان معمول بوده و اگر این امر را در رشته جداگانه ای از علوم وابسته به حدیث بدانیم کار خلافتی نکرده ایم دانشمندان بزرگ مانند مجلسی اول و دوم، صاحب وسائل شیخ حر عاملی، فیض کاشانی، فاضل تونی با همه اشتغالات علمی باین امر اهتمام زیاد داشته اند هم اکنون کتابهای خطی بیشماری از کتب اربعه و غیر آنها موجود است که نزد این بزرگان تصحیح شده و آنان بخط خود در حواشی و آخر آن کتب بصحت و مقابله آنها تصریح کرده اند و بکسی که آن نسخه ها را برایشان میخوانده اجازه حدیث داده اند اخیرا بواسطه انتشار کتب چاپی باین امر مهم توجه نمیشود در صورتیکه کتابهای چاپی مملو از غلط و اشتباه است اینچنان که چند سال با این کتب سروکار داشته ام و غلطهای فراوان کتابهای رائج را دیده ام اهمیت این عمل را می دانم متأسفانه کتابهایی که در سالهای اخیر چاپ شده با همه ادعائیکه ناشرین و مصححین درباره صحت آنها نموده اند باز هم غلطهای بیشماری دارند چه خوب است اقل کتابهای حدیث از صورت تجارتنی و بازاری خارج گردد و در نشر و طبع آنها هیچ سودمادی در نظر گرفته نشود.

دکتر رسا

علی (ع)

خصلتان لیس فوقهما من البر شیء الايمان بالله والنفع لعباد الله

مباش بی خبر از حال بندگان خدا
ز حال بنده نبایست بی خبر بودن

بجز طریق ارادت میو اگر خواهی

رهین لطف خداوند داد گسر بودن

دو خصلت است که نیکوترین خصلت ها است

از این دو پند توان شاد و معتبر بودن

یکی ارادت و ایمان بکردگار و دیگر

برای خلق خدا مثمر ثمر بودن